

ویژگی‌های رهبری امام خمینی (ره)

محمد اسماعیلی جوشقانی

عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی نراق

مقدمه

در حوزه‌ی واژه‌گان مدیریت امروزه تعاریف زیادی از مدیریت شده است که می‌توانیم به تعریفی از خانم فالت (Follet) اشاره کنیم که مدیریت را کار کردن با و بوسیله دیگران می‌داند و مطالبی که در این تعریف نهفته است یکی کار کردن بوسیله افراد است که به مهارت و هنر مدیریت مربوط می‌شود و دیگری کار کردن با دیگران است که بقولی تأثیر گذاردن و پذیرفتن از دیگران است که این بخش بر مهارت‌های رهبری اشاره دارد. کشورهای اسلامی امروزه به دلیل دارا بودن فرهنگ بومی و دین متفاوت نمی‌توانند صددرصد بر نسخه‌های مدیریتی کشورهای غربی اکتفا نمایند لذا بدنبال روش‌های مدیریتی می‌گردند که این نقیصه را جبران نمایند و این مقاله سعی بر آن دارد که بیان نماید در کشورهای اسلامی بدلیل ماهیت اسلامی بودن و ارائه طریق‌های جوامع اسلامی در قالب حکومت دینی و اسلامی باید بدنبال ابعاد وسیعتری از تعاریف و وظایف مدیریت باشند که همان رهبری است و البته رهبری در شکل کاملاً اسلامی و دینی که از مبنای قدرتی الوهیتی می‌باشد و این چیزی است که در مباحث جدید مدیریت اسلامی بیان می‌گردد.

مدیریت اسلامی را در عمل می‌توان در قالب حکومت اسلامی مشاهده کرد زیرا این حکومت برای اداره جامعه اسلامی سازمانهایی را بوجود می‌آورد که اهداف ذیل را دنبال می‌کند:

۱. آگاهی بخشیدن به انسانها
۲. تربیت معنوی و احیای ارزشهای اخلاقی
۳. اقامه قسط و عدل به صورت خودجوش در جامعه
۴. آزادی انسانها از زنجیرهای اسارت

و در کلامی خلاصه حکومت‌های اسلامی دو هدف عمده را دنبال می‌نمایند یکی ساختن جامعه به شکل مدینه فاضله و دوم رساندن انسان به مقام خلیفه اللهی است که البته این اصل را در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران بوضوح می‌توان دید «اصول دین به اضافه ارزشهای والای مقام انسانی»^(۱) البته باید متذکر شویم که تحقق اهداف حکومت اسلامی در جامعه را نمی‌توانیم از وظایف و مسئولیت‌های مدیریت بدانیم چرا که به قول جان کارتر رهبر با مدیر به چند دلیل تفاوت دارد. مدیر همواره با مسائل و پیچیدگیها دست و پنجه نرم می‌کند، مدیر خوب می‌تواند به سازمان نظم دهد و با ارائه برنامه‌های رسمی نوعی ثبات به سازمان بیاورد، ساختار سازمان را تعیین کند و با توجه به برنامه‌های ارائه شده نتایج را کنترل نماید برعکس رهبر با پدیده تغییر سر و کار دارد، با ارائه تصویری از آینده مسیر را مشخص می‌کند و آنگاه با توجه به این دیدگاه و ارتباطی که با آن برقرار می‌کند افراد را هماهنگ می‌نماید و به آنها الهام می‌بخشد تا هر مشکل یا معمایی را که بر سر راهشان قرار دارد حل کنند یا از میان بردارند. با این تعبیر می‌توان بیان کرد که برای تحقق اهداف مدیریت اسلامی بیشتر باید دنبال رهبر باشیم چرا که توجه بر آگاهی بخشیدن و تربیت افراد بنا نهاده شده و این امر در بحث مدیریت و رهبری بر تأثیرگذاری بر افراد از طریق نفوذ کردن در افراد است که از تعاریف رهبری است و البته امروزه تئوریهای جدیدی در رهبری مطرح شده که از جمله رهبری کارزماتیک می‌باشد که به اختصار به آن می‌پردازیم.

رهبری

به قول اندیشمندی «یا هدایت و رهبری کنید یا پیرو باشید در غیر این صورت از سر راه کنار روید»^(۲) این نکته گواه این مطلب است که انسان در مسیر تکامل دو راه بیشتر ندارد اما اینکه گروهی در جامعه رهبر می‌شوند و گروهی پیرو چیز است که پژوهشگران سعی در

تفکیک ویژگی‌های رهبری دارند تا بتوانند ثابت نمایند که باید فرد دارای ویژگی‌هایی چه در شخصیت و چه در رفتار باشد تا بتواند زمام قدرت را بدست گیرد. اما آن‌چه که امروزه در تئوری‌های رهبری منظور نظر است رهبری کاریزماتیک charismatic یا رهبری است که در تئوری به همین نام charismatic leadership theory معروف شده است و بیانگر این مطلب است که اگر پیروان رفتارهای خاصی را از رهبر ببینند توانایی‌های خارق‌العاده یا قهرمانانه‌ای به وی نسبت می‌دهند و تاکنون نویسندگانی چند سعی در بیان خصوصیات رهبران داشته‌اند از جمله رابرت هاوس Robert House سه ویژگی اعتماد به نفس- تسلط بر خویش و اعتماد راسخ به باورها و عقاید شخصی را بیان نموده است همچنین وارن بنیس Warren Bennis پس از مطالعه بر روی ۹۰ رهبر بسیار موفق در آمریکا به این نتیجه رسید که این دسته از رهبران چهار ویژگی مشخص دارند:

۱. در هدف قاطعیت دارند و در عزم خود راسخ هستند.
۲. آنها می‌توانند دیدگاه یا هدف مورد نظر را به پیروان تفهیم کنند.
۳. از توانایی‌های خود آگاهی دارند و می‌کوشند تا در این منابع سرمایه‌گذاری‌های کلان بکنند. و در تازه‌ترین تحقیق که بوسیله دو پژوهشگر به نامهای کانگر و کانن‌گو Conger and Kanungo در دانشگاه مک‌گیل کانادا انجام شد هفت عامل را از ویژگی‌های رهبران فره‌مند می‌دانند مانند: ۱- اعتماد به نفس؛ ۲- دیدگاه آرمان‌گرایانه؛ ۳- قدرت بیان؛ ۴- اعتقاد راسخ به هدف؛ ۵- رفتار خارق‌العاده؛ ۶- عامل تغییر؛ ۷- شناخت محیط.

اما آنچه که امروز پیرامون رهبری کاریزماتیک حضرت امام (ره) بیان می‌شود مورد نقد و بررسی قرار می‌دهیم تعاریفی که از رهبری فره‌مند بیان می‌شود که اگر پیروان از رهبر خود ویژگی خاصی را ببینند توانایی‌های قهرمانانه‌ای را به وی نسبت می‌دهند باید بیان نمود که خود ایشان هرگز طوری رفتار نمی‌کردند تا دیگران تصور نمایند که از مقام فخر فروشی و بیان استعدادهای خود سخن گوید و حتی حاضر نبود خود را به عنوان رهبر مطرح نماید آنچنان که می‌فرمودند:

«من دعاگوی همه هستم و شما احتمال این را بدهید که اگر به من بگوئید خدمتگزار بهتر است که بگویند رهبر، رهبری مطرح نیست خدمتگزاری مطرح است. اسلام ما را موظف کرده که خدمت کنیم. خدمتگزاری مطرح است.» (۳)

و برای تبیین جایگاه رهبری و شخص رهبری می‌فرمودند: «رهبر همه شما و همه ما وجود بقیة اللہ الاعظم «عج» است و باید ماها و شماها طوری رفتار نمایم که رضایت آن

بزرگوار را که رضایت خداست بدست بیاوریم»^(۴) همینطور خود را جزء منفک از بدنه حکومت اسلامی نمی دانست و مانند هر شهروند دیگری حق بازخواست را به مسئولین امر می داد «خدا می داند که شخصاً برای خود ذره‌ای مصونیت و حق و امتیاز قائل نیستم. اگر تخلفی از من هم سر زد مهبای مؤاخذه‌ام»^(۴)

بنابراین سخنان امام با تعاریفی که اندیشمندان مدیریتی پیرامون رهبری کاریزماتیک ارائه می دهند به هیچ وجه قابل مقایسه نیست اما همانگونه که بیان شد برای رهبران فره مند و ویژگی‌هایی بیان کرده اند که بطور اجمال آنها را در شخصیت حضرت امام (ره) جستجو می نماییم.

۱. اعتماد به نفس

منظور این است که این دسته از رهبران نسبت به توانایی و قضاوت خود اعتماد کامل دارند. البته تصور اینکه رهبران بر پندارهای ثابت خود پافشاری کنند و آنها تنها صحیح بدانند و یا اعتقادات خود را بدلیل اعتماد به نفس بالا برتر بدانند یا شاخص نباشند اشتباهی است که در غرب از آن به عنوان اصل نسبت سست بنیاد نام برده شده است. بنابراین اعتماد به نفس را بیشتر در مورد تصمیم‌گیری و قاطعیت در رهبری باید دانست که این امر در رهبریت حضرت امام در صدور فرامین بوضوح مشاهده می شود و این مطلب را عنوان می نماید که «من این را عرض بکنم که من از اولی که داخل این باب شدم اجازه دخالت به کسی ندادم. به نزدیکان خودم هم اجازه دخالت هیچ وقت نمی دادم. خودم مستقل بودم در کارهایم»^(۵)

پس می توان به صراحت اذعان نمود که داشتن اعتماد به نفس در رهبری کاریزماتیک در حد زیاد به استبداد و رهبری مستبدانه می انجامد در حالیکه حضرت امام در مقابل دستور خداوند و رسول و تکلیفی که احساس می نمودند با اعتماد به نفس حرکت و عمل می کردند و می فرمودند که «خدا نکند که روزی پیش بیاید که من احساس وظیفه کنم نگذارید که احساس وظیفه بشود. اگر احساس وظیفه شود من به هر کس هر چه دارم پس می گیرم»^(۶)

۲. دیدگاه

این یک هدف آرمان‌گرایانه است که آینده را بهتر از وضع موجود متجلی می سازد. هر قدر بین هدف آرمانی و وضع موجود اختلاف بیشتری باشد احتمال آن زیادتر است که پیروان آن اختلافات را به دیدگاه خارق‌العاده رهبر نسبت می دهند. درست است که امروزه در

مدیریت پیروزیها را به مدیران و شکست‌ها را به پیروان نسبت می‌دهند مانند پیروزی در یک مسابقه فوتبال که بدلیل رهبری خود مربی است و شکست بدلیل خوب انجام نیافتن وظایف از سوی بازیکنان است. لذا این یک تفکری است که رهبران را متمایز از زیردستان می‌داند و آنان را تنها شایسته رهبری و پیروان را شایسته اطاعت می‌داند. نظری که ارسطو دارد حول همین محور است که گروهی برای فرمانروایی زائیده شده‌اند و گروهی برای فرمانبرداری اما دیدگاه حضرت امام (ره)، یک دیدگاه الهی است که همه فتح‌ها و پیروزیها را نظر لطف خداوند می‌داند و حکومت را الهی می‌داند. آنجا که می‌فرماید:

«در اسلام یک حکومت است و آن حکومت خدا، یک قانون و آن قانون خدا و همه موظفند به آن قانون عمل نمایند.»^(۷) یا در بیانی دیگر فرمودند: «ملت ما خدا دارد. ملت ما از اول تا حالا، همیشه، ملت پشتیبانش خدای تبارک و تعالی بوده منتهی گاهی ملموس بوده و گاهی غیر ملموس.»^(۸) بنابراین دیدگاه حضرت امام (ره) تنها وعده دادن و یا تصویر یک مدینه فاضله نبوده و صرفاً امور را بدلیل بهتر زیستن اداره نمی‌کردند بلکه از یک دیدگاه الهی همه چیز را تفسیر و تأیید می‌کردند و اصلاحات و بهبود وضعیت اجتماعی جامعه را در گرو خواست مردم می‌دانستند. امام فرمودند:

«هر اصلاحی نقطه اولش خود انسان است»^(۹) بنابراین، این دیدگاه نسبت به دیدگاه رهبران کاریزماتیک از اعتبار و جلوه الهی برخوردار و خدشه‌ناپذیر است.

۳. قدرت بیان

آنان می‌توانند دیدگاه خود را به گونه‌ای که قابل فهم پیروان باشد ابراز نمایند. این قدرت بیان به گونه‌ای است که در برگیرنده نیازهای پیروان است. از این رو از نیروی انگیزشی بالایی برخوردار است. البته استفاده از قدرت بیان در مدیریت امری است که بسیار مورد توجه است چراکه مدیر اگر توانایی بیان مطالب را نداشته باشد نخواهد توانست مطالب را آنگونه که مورد نظرش می‌باشد به کارمندان تفهیم نماید. از طرف دیگر استفاده از این ابزار امروزه در مدیریت بعنوان سلاحی برای مقابله با کارکنان و صاحبان سهام استفاده می‌شود و این قدرت بیشتر به نفع صاحبان آن بکار گرفته می‌شود در حالیکه در رهبری حضرت امام خمینی (ره) تمام مسائل و مشکلات بیان می‌شود و از مردم خواسته می‌شود تا نسبت به رفع مشکلات کمک نمایند. بنابراین ابزاری برای همدلی و نزدیکی صاحبان قدرت و مردم است یعنی قدرت بیان باعث تفاهم و مذاکره است چنانکه حضرت

امام یکی از موجبات انحطاط دولتها را همین جدایی می‌داند. در این زمینه می‌فرمایند: «یکی از موجبات انحطاط دول اسلامی این است که تفاهم بین دولت‌ها و ملت نیست. دولت خود را از ملت جدا کرده و مردم هم به دولت بدبین شدند و در نتیجه اگر دولتی مشکل اقتصادی داشته باشد ملت در حل آن هیچگونه همکاری نمی‌نمایند» و در جایی دیگر عنوان فرمودند:

«جدایی دولتها از ملت‌ها منشأ همه گرفتاریهاست که در یک کشور تحقق پیدا می‌کند»^(۱۰) بنابراین بحث قدرت بیان امری بدیهی در رهبری تلقی می‌شود اما طرز استفاده و نگرش رهبری به این خصیصه مهم است که نقطه تفاوت میان رهبری کارزماتیک و رهبری حضرت امام (ره) می‌باشد.

۴. اعتقاد راسخ به هدف

رهبران فره‌مند نسبت به دیدگاه و هدف خود اعتقاد راسخ دارند و آماده پذیرش خطرهای بزرگ هستند. هزینه‌های زیادی به مصرف می‌رسانند و در جهت جامه عمل پوشانیدن به خواسته خود از هیچ نوع ایثار و از خودگذشتگی دریغ نمی‌کنند.

همانگونه که در مباحث برنامه‌ریزی مطرح می‌شود اولین گام تعیین هدف می‌باشد و مدیران در سازمانها سعی در تعیین اهدافی دارند که سازمان را بهتر و سریعتر به مقاصد خود برساند اما این مورد در رهبری به گونه‌ای دیگر است چراکه اهداف بر پایه خواسته‌ها و اهداف کارکنان تدوین می‌گردد، اگرچه در قالب اهداف سازمانی است اما در رهبری امام خمینی (ره) نکته مهمی که به چشم می‌خورد و او را راسخ‌تر در رسیدن به هدف می‌کرد تقدس عمل و رضای پروردگار بوده و هرگز این توانایی را به خود نسبت نمی‌داد همانگونه که می‌فرماید:

«این معنا را نمی‌تواند یک نفر آدم درست کند، نمی‌تواند یک عده آدم، این معنا را خدا درست کرد و لهذا من از اول که دیدم یک همچو وحدتی پیدا شده است یک همچو چیزی که دست کسی نمی‌تواند باشد یک غیب در کار باشد. من امیدوار شدم و لهذا هیچ وقت من هیچ سستی در کارم نبود برای اینکه امید داشتم که خدا این کار را انجام می‌دهد. از اول هم می‌گفتم او باید برود چاره ندارد، رفت. اینطور هم شد، خدا خواست.»^(۱۱)

نکاتی که در این کلام گهربار وجود دارد این است که رهبر ابتدا بنا به خواست مردم و همبستگی آنها اهداف را مشخص می‌کند و آنگاه بر تحقق آن عزم را استوار می‌سازد و

هیچ‌گاه از مواضع صحیح خود که منشأ الهی داشت عقب نشینی نکرد و ثمره آن حصول به اهداف مقدس بود و جالبتر اینکه همه این تحولات و تغییرات را از طرف خدا می‌داند و حتی زمانیکه مانند رسول گرامی اسلام حضرت محمد(ص) پیشنهاد قدرت و مال به آدمی دهند با پشتوانه همان قدرت جوابی را می‌دهد که رسول‌الله داد:

«ما در پاریس که بودیم رفت و آمدهای زیاد مخفی و بعضی وقت‌ها آشکار بود برای اینکه ما را وادار کند که دست برداریم. می‌گفتند: هرچه می‌خواهید می‌دهیم هرکاری بخواهید می‌کنیم. خود شاه سابق به وسایل پیغام داد که من مملکت را به شما تسلیم می‌کنم. و من همین شاهی باشم در صورت و همه کارها در دست شما باشد و من به او اعتنا نکردم و این قدرت الهی بود که ما را کمک می‌کرد.» (۱۲)

رهبران کاریزماتیک به محض دستیابی به آنچه می‌خواهند و تأمین نیازها و اهداف شخصی خود بر راحتی دست از کار می‌کشند و بعضاً زیردستان را قربانی مصالح و سازش‌های خود می‌کنند اما رهبری حضرت امام خمینی (ره) با وجود همه تأمین‌ها و پیشنهادها اعتقاد به هدفی الهی و والا دارد و در همان جهت نیز تلاشش را ادامه داد و هیچ‌گاه از رسیدن به هدف مأیوس نشد آنچنان که در جمع گروهی از فرهنگیان در سال ۵۸ عنوان فرمودند: «این حقیقتی است که باید اعتراف کرد که [رژیم شاهی] قلعه محکمی بود که احتمال فتح او نمی‌شد و فتح شد و دژ عظیمی بود که احتمال شکستن او نمی‌رفت و شکسته شد. ملتی با نداشتن هیچ ابزار و ساز و سلاح برابر قدرتها و بر شیطانی که تا دندان مسلح بود غلبه کرد. لکن این من نبودم که این غلبه را نصیب شما کرد. این خدای تبارک و تعالی بود. دست غیبی در کار است. خدای تبارک و تعالی بوسیله امام زمان (سلام‌الله علیه) آن وقت یأس در من هیچ وقت نبوده است.» (۱۳)

۵. رفتار خارق‌العاده

آنها که از نوعی جذابیت خاصی برخوردارند و از نظر رفتار پدیده‌ای نو، غیر متعارف و مخالف با هنجارهای رایج ارایه می‌کنند، هنگامیکه در کار خود پیروز شدند رفتارهایشان موجب تحسین، ستایش و تعجب پیروان می‌شود. این خصیصه و ویژگی رهبران کاریزماتیک با شخصیت حضرت امام (ره) مطابقت دارد اما تنها چیزی که مورد بحث قرار می‌گیرد و رهبران کاریزماتیک منشأ محبوبیت و جذابیت رفتارهای جدید و ناهنجار است در حالیکه در رهبریت حضرت امام (ره) آنچه باعث محبوبیت و عزت‌ش شد اتکا به خداوند و وقف

نمودن عمر و جانش برای مردم بود و آن را بگونه‌ای عبادت می‌دانست و چیزی از این میدان برای خود نمی‌خواست و این چنین به فرزندش می‌فرماید:

«پسرم ما که عاجز از شکر او، نعمتهای بی‌متنهای اوئیم، پس چه بهتر که از خدمت به بندگان او غفلت نکنیم که خدمت به آنان خدمت به حق است چه که همه اویند. هیچ‌گاه در خدمت به خلق الله خود را طلبکار بدان که آنان بحق منت بر ما دارند که وسیله خدمت به او هستند.» (۱۴)

بنابراین کسی که اعتقادش و هدفش خدمت به خلق و خدا باشد شخصاً خداوند الفت و مهر او را در دل مؤمنان می‌اندازد یعنی این محبوبیت و جذابیت خدایی است بنابراین با بدگویی نمی‌توان آنرا پاک کرد و شاید همین علت این امر است که نزد دوست و دشمن عزیز بود و همواره از او به نیکی یاد می‌کنند. حتی چنانچه بحث شود که همه رهبران کاریزماتیک دنیا مانند حضرت امام الهی و خدایی نیستند، این مطلب درست اما باید دید که آیا اگر شخصیتی مانند حضرت امام (ره) در وضعیت آنان می‌بود، چگونه بود؟ این موضوعی است که ایشان متذکر می‌شوند که:

«آنچه مهم است آن است که انسان با هر منطقی که بتواند خدمت کند و ادای وظیفه نماید که پیش و جدان خود شرمند نباشد، وصول به مقاصد و عدم آن بسته به اراده الهیه و به ما تکلیفی نیست.» (۱۵)

۶. عامل تغییر پیروان

رهبران فره‌مند را به عنوان عاملانی پندارند که موجب تغییرات اساسی می‌شوند آنها در زمره افرادی نیستند که نسبت به حفظ وضع موجود قانع شوند. این واقعیت را می‌پذیریم که همیشه برای تغییر دادن وضعیت موجود پیشگامانی نیاز است که البته برای رهبری تغییر شرایط و ویژگیهایی وجود دارد که بیشتر انتر پرونرها Entrepreneur چنین ویژگیهایی را دارند و بعنوان خط شکن تلقی می‌شوند ولی نباید در امر تغییر، نقش زیردستان را ندیده گرفت و تنها تغییر را به رهبری کاریزماتیک نسبت ندهیم آنچه رهبر انقلاب امام خمینی (ره) می‌فرماید:

«این تحول روحی و این انقلاب اسلامی تحفه‌ای است که خدای تبارک و تعالی از عالم بالا برای ملت ما به هدیه فرستاد و ما باید شکر خدای تبارک و تعالی را بکنیم که از عهده شکر بر نمی‌آئیم. من باید شکر این نعمت را و شکر این رحمت را و شکر این محنت‌ها را که

ملت ایران کشیدند. شکر اینها را بکنم و من از عهده بر نمی‌آیم. اینها بودند که همه کارها را انجام دادند و خدا بود که اینها را مؤید کرد و قدرت خدا و قدرت ایمان ملت که در این اواخر شکوفا پیدا کرد. این قدرت بود که با دست خدا یک سلطنت ۲۵۰۰ ساله را از ریشه کند.» (۲۶)

از همه مهمتر فلسفه تغییر در جامعه ایران برای اصلاح فرهنگ و تلاش در راه انسان‌سازی بوده است.

۷. شناخت محیط

این رهبران می‌توانند محدودیت‌های محیطی را بصورتی واقع‌گرایانه تعیین کنند و منابع لازم برای ایجاد تغییر را مشخص نمایند.

اینکه یک رهبر برای انجام یک تغییر بیشتر بر محدودیت‌ها تکیه نماید نه بر امکانات، امکان وقوع تغییر را بوضوح کاهش می‌دهد. البته موانع واقعی را نباید نادیده گرفت این اصلی است که مدیریت تحول به آن می‌پردازد، اما زمانیکه مقاصد و اهداف بر مبنای خواست مردم و مشیت الهی باشد بعضی از پیش‌بینی‌ها نقش بر آب می‌شود و شاید هم زودتر به تحقق پیوندد البته همانگونه که ذکر شد شناخت استعدادها و توانایی‌ها و تجهیز منابع لازم برای تغییر از خصیصه‌های رهبران کاریزماتیک است. حضرت امام نیز بر این امر واقف بودند و به خوبی آن را هدایت کردند همانگونه که در مصاحبه با «حسنین هیکل» عنوان فرمودند:

«من ملت را می‌شناسم و از درون آنها خبر می‌دهم و از زبان آنها سخن می‌گویم و می‌دانم چه در سینه‌هایشان غلیان دارد و من از همه نقاط ضعف آگاهم، شاهد تحولات نیم قرن بوده‌ام. بدبختی ناشی از ارباب مردم را می‌دانستم و می‌دیدم و احساس می‌کردم. مردم به لحظه انفجار رسیده بودند. همچنین فضای تجاوز، انفجار را به صورت یک واقعیت درآورد و انقلاب علماء سبب‌ساز انفجار شد.» (۱۷)

این گویای این واقعیت است که بر خلاف ادعای بعضی مغرضان که امام را در کنار انقلاب می‌بینند و بیان می‌دارند که بعد از انقلاب و ورود به ایران امام رهبر شد. مشخص می‌شود که از ابتدای نهضت جایی که شاید هیچ یک از کارشناسان سیاسی دنیا تصور چنین روزی را نداشتند امام خمینی (ره) آغازگر راهی سخت و پرتلاطم جهت احیای جامعه اسلامی و خدمت به مردم شد و لحظه به لحظه آنرا زیر نظر داشته و با استعانت از خداوند متعال و توجهات حضرت بقیه‌الله‌الاعظم روحی و ارواحنا له الفدا پدیده قرن بیستم را به منصف ظهور رساند و واضح است بدون شناخت، هیچگاه این امر مسجل نمی‌شد.



حضرت امام خمینی (ره) در دوران پر افتخار رهبری بر جامعه اسلامی ایران این نکته را به ثبوت رساند که می‌توان با بهره‌گیری از فرامین و متون اسلامی و قرآنی به روشی کاملاً دینی و اسلامی همچون پیامبر (ص)، و ائمه اطهار (ع) جامعه را بسوی سعادت و انسانها را به کمال رسانید. شاید این باور در ذهن هیچ اندیشمندی نگنجد که تربیت نیروی انسانی در رهبری حضرت امام به شکلی استثنایی صورت پذیرفته است چراکه این نیروها حاضر شدند برای رسیدن سازمان به مقاصد از جان خود مایه بگذارند و نمونه آن خیل عظیم شهدا هستند بنابراین می‌فرمودند: «در اسلام همه امور مقدمه انسان‌سازی است» (۱۸)

و اینکه «تربیت کنید مهم تربیت است، علم تنها فایده ندارد علم تنها مضر است» (۱۹) امام نه تنها به تربیت و پرورش نیروی انسانی در حد اعلای خود توجه داشت پیشرفت و تمدن را بیشتر در همین قالب یعنی تا جائیکه به ارزش‌های انسانی لطمه وارد نسازد مورد تأکید قرار می‌داد «ما تمدنی را می‌خواهیم که بر پایه شرافت و انسانیت استوار باشد» (۲۰) بنابراین ابعاد مدیریتی و رهبری حضرت امام (ره) فراتر از آن چیزی است که در تئوریهای امروزی مدیریت و رهبری می‌گنجد و اگر کسی در سمیناری بیان کرد که امام خمینی (ره) یک رهبر کارزماتیک بود باید بگوئیم که سخت در اشتباه است و اطلاعی از ویژگیهای یک رهبر کارزماتیک ندارد. البته امام خمینی (ره) یک رهبر کارزماتیک بود از جنبه قدرت ک بقول ماکس وبر یکی از منابع قدرت رهبری قدرتی است که شخص از طریق نفوذ در افراد بدان دست می‌یابد. و این طریقی است که خود حضرت امام هم بر آن اشاره فرمودند «ای دولتها فتح کشور مهم نیست، فتح قلوب مهم است» (۲۱)

اما ما در این نوشتار بیان کردیم که امام خمینی (ره) علاوه بر دارا بودن یک رهبری کارزماتیک ویژگیها و اصول دیگری را به دنیای علم ارائه می‌کنند که با مقیاس‌های قبلی قابل سنجش نیست و حتی رهبری را مانند مولای متقیان با لنگه کفش پاره‌ای معاوضه نمی‌نماید. «رهبری و رهبری در ادیان آسمانی و اسلام بزرگ چیزی نیست که خودبخود ارزش داشته باشد و انسان را خدا نخواست به غرور و بزرگ اندیشی خود وا دارد» (۲۲) در این گفتار اگر بخواهیم وارد شویم مثنوی هفتاد من خواهد شد.

آنچه ما بر آن تأکید داریم این است که امام خمینی (ره) یک مدیر نمونه و رهبری دینی و اسلامی بود که فراتر از گفتار یک رهبر کارزماتیک است. او کلامش، روحش، عملش برای رضای دوست و برای خدمت به خلق خدا بود، او یک الگو برای مدیریت نوین در جوامع

اسلامی بود و تداعی‌کننده رهبریت پیامبر خاتم محمد بن عبدالله (ص) و مولای متقیان علی (ع) بود و نگاه کردن به این تقدس و الوهیت به چشم کاریزما ظلمی بزرگ در حق بزرگ مرد قرن بیستم است. و در یک کلام می‌توان گفت امام خمینی (ره) یک رهبر الهی و الوهیتی بود که در گمان و قیاس، ننگجد، یادش گرامی و روحش قرین الطاف بی‌دریغ حضرت ابدیت باد.

یادداشتها

۱. فصلنامه کنترلر-نظریه مدیریت در اسلام، دکتر غلامعلی رمزگویان.
۲. رفتار سازمانی-استیفن رابینز-ترجمه دکتر علی پارسائیان و محمد اعرابی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۶۸۲ و ۶۸۱.
۳. صحیفه نور: ج ۱۰، ص ۱۲۶.
۴. همان: ج ۱۴، ص ۹۴.
۴. همان: ج ۲۱، ص ۱۹۳.
۵. همان: ج ۲، ص ۱۲۳.
۶. همان: ج ۱۴، ۵۹/۱۱/۱۵.
۷. کلمات قصار، بندها و حکمت‌ها، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، چاپ اول ۱۳۷۲.
۸. صحیفه نور: ج ۱۳، ص ۱۰۲.
۹. منبع ۷.
۱۰. همان منبع.
۱۱. صحیفه نور: ج ۲، ص ۳۵۲.
۱۲. همان: ص ۳۲۲.
۱۳. همان: ج ۶، ص ۳۸.
۱۴. همان: ج ۲۲، ص ۳۷۳.
۱۵. همان: ج ۱، ص ۷۳.
۱۶. همان: ج ۲۲، ص ۱۹۴، ۵۷/۱۲/۲۵ سخنرانی در جمع اعضاء هیأت کویته.
۱۷. روزنامه کیهان ۵۷/۱۲/۲، ص ۶ مصاحبه با حسنین هیکل.
۱۸. منبع شماره ۷، ص ۱۸۳.
۱۹. همان، ص ۱۸۴.
۲۰. همان، ص ۲۰.
۲۱. همان، ص ۱۴۰.
۲۲. همان، ص ۱۱۹.

